

عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان و جوانان به اعتیاد در خانواده

اسماعیل نساجی زواره

دبیر دبیرستان‌های منطقه زواره - اصفهان

مقدمه

پدیده اعتیاد به مواد مخدر یکی از بیماری‌های قرن حاضر است که به صورت یک معضل جهانی در آمده و اکنون در جامعه ما گریب‌گیر بسیاری از افراد، مخصوصاً نسل جوان، شده است.

چکیده

پدیده اعتیاد به مواد مخدر یکی از آسیب‌های اجتماعی است که اکنون در جامعه ما گریبان‌گیر بسیاری از افراد، مخصوصاً نسل جوان، شده است. علل و عواملی گوناگون در ایجاد و تشدید گرایش به این پدیده شوم دخالت دارد که بعضی از آن‌ها مربوط به خانواده است.

مهم‌ترین مؤلفه‌های گرایش نوجوانان و جوانان به اعتیاد و مواد مخدر در نهاد خانواده عبارت‌اند از: عدم شناخت و آگاهی خانواده، اعتیاد والدین، کمبود محبت، افراط در محبت، خشونت خانوادگی، آشفتگی کانون خانواده، کنترل بیش از حد فرزندان، فقر، اختلاف والدین و مشغله کاری آنان، که در این نوشتار به طور اجمال به بیان آن‌ها می‌پردازیم. در پایان هم به منظور رفع عوامل مؤثر در گرایش فرزندان به بلای خانمان سوز اعتیاد، پیش‌نهادهایی ارائه می‌شود.



فرزندانی که در خانواده‌های معتاد زندگی می‌کنند، ترس و قبح معتاد شدن برای آنان از بین رفته است و عادی شدن مصرف مواد مخدر در خانواده، موجب سهولت گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف این مواد می‌شود.

۲- اعتیاد والدین

فرزندانی که در خانواده‌های معتاد زندگی می‌کنند، ترس و قبح معتاد شدن برای آنان از بین رفته است و عادی شدن مصرف مواد مخدر در خانواده، موجب سهولت گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف این مواد می‌شود. اگر پدر و مادر در خانواده معتاد باشند، اعتیاد آنان از یک سو کنترل و تسلط بر فرزندان را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر عامل انتقال این عادت به فرزندان می‌شود. (مدنی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹)

براساس پژوهش‌های موجود، نوجوانان و جوانانی که والدینشان به مصرف مواد مخدر اعتیاد دارند، خود بیش از نوجوانان و جوانان دیگر در معرض استفاده از مواد مخدر قرار می‌گیرند. (هنری ماسن، ۱۳۷۳، ص ۶۰۶)

۳- کمبود محبت

مهر و محبت در تکوین شخصیت هر فرد تأثیر بسزایی دارد و محرومیت عاطفی موجب بروز اختلال منش و انواع انحرافات می‌گردد. تحقیقی که در غرب دربارهٔ بزه‌کاران انجام شده است، نشان می‌دهد که ۹۱ درصد مجرمان در ارتباط با ارتکاب جرم، به نحوی دچار مشکل عاطفی بوده‌اند. (عربی، ۱۳۸۲، ص ۲۳)

وقتی ارتباط عاطفی وجود نداشته باشد و جوان از سوی والدین احساس بی‌محبتی کند، مجبور می‌شود دست نیاز به سوی دیگران دراز نماید. در این زمان است که صیادان از این موقعیت‌ها سوء استفاده کرده، برای او دام می‌گسترانند و با برقراری ارتباط عاطفی دروغین، نوجوان را به سوی انحراف می‌کشانند.

میزان مصرف مواد مخدر در سال‌های اخیر به اندازه‌ای است که متخصصان و کارشناسان معتقدند بعد از مواد غذایی، هیچ ماده‌ای در روی کرهٔ زمین نیست که به اندازهٔ مواد مخدر، این چنین آسان، وارد زندگی ملت‌ها شده باشد. اما چگونه این پدیدهٔ شوم هویت نسل جوان را تهدید می‌کند؟ علل و عواملی گوناگون در ایجاد و تشدید گرایش افراد به اعتیاد به مواد مخدر دخالت دارد.

یکی از این عوامل، نهاد خانواده است. به اعتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران، ریشه و بنیان بسیاری از کج‌روی‌ها و آسیب‌های اجتماعی در درون این نظام کوچک قرار دارد.

این که خانواده چه میزان به ارزش‌ها و دستورهای اخلاقی اهمیت دهد و آن‌ها را در فرایند زندگی حاکم کند؛ روابط بین اعضای خانواده چگونه باشد و والدین تا چه اندازه به نقش خویش در تربیت فرزندان واقف باشند؛ می‌تواند اعضای خانواده را در برابر انواع انحرافات، از جمله اعتیاد بیمه کند یا زمینه را برای حرکت در مسیر انحراف فراهم آورد.

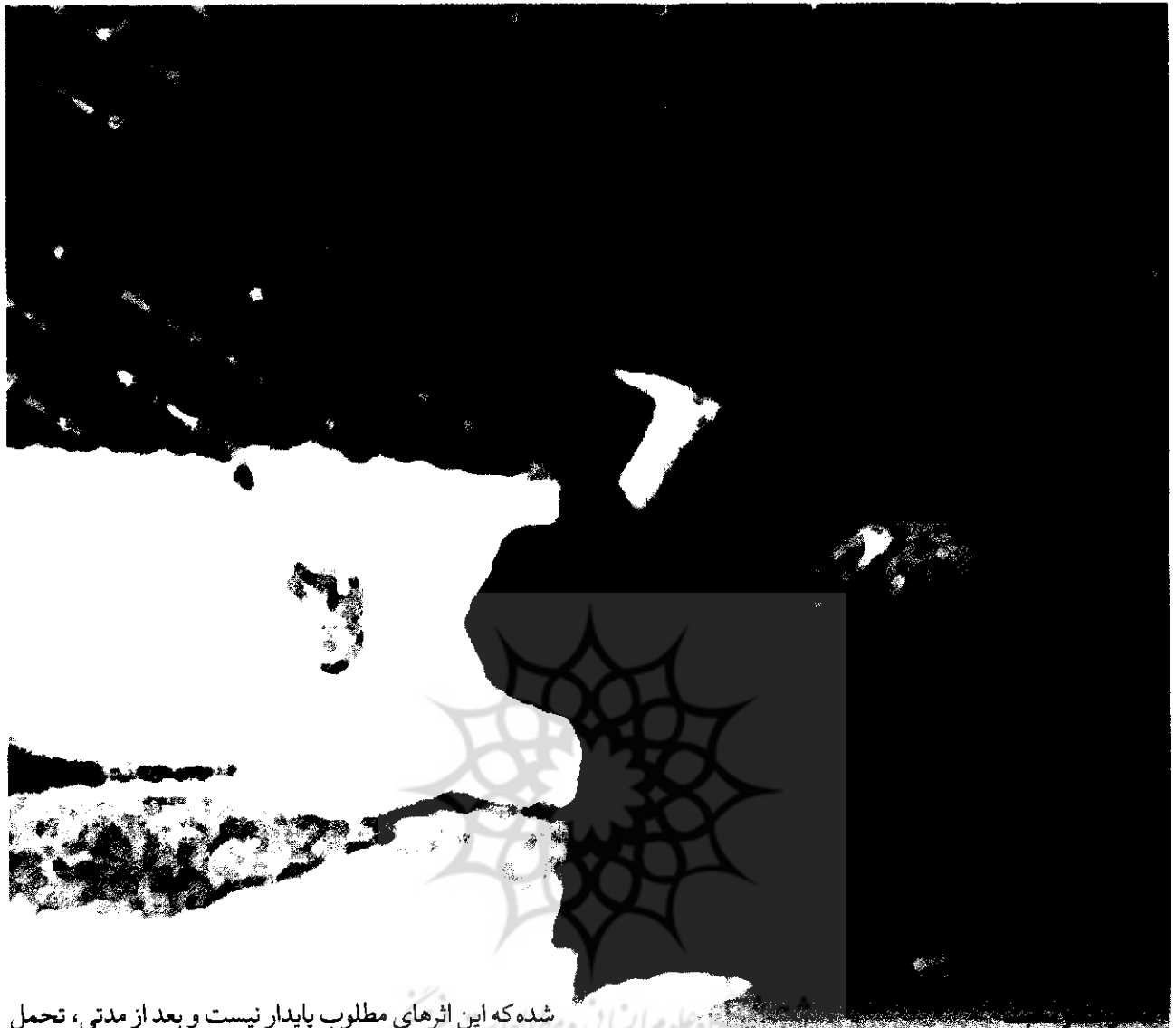
اگرچه مسئلهٔ اعتیاد را می‌توان هم از زاویهٔ روان‌شناختی و هم از منظر جامعه‌شناختی مورد بررسی و پژوهش قرار داد، در این نوشتار به بررسی یکی از جنبه‌های اجتماعی آن، یعنی خانواده خواهیم پرداخت.

مؤلفه‌های گرایش نوجوانان و جوانان به اعتیاد در کانون خانواده

مؤلفه‌های گرایش نوجوانان و جوانان به اعتیاد و مواد مخدر در نهاد خانواده، اشکال و ابعاد مختلف به خود می‌گیرد که به طور اجمال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عدم شناخت و آگاهی خانواده

یکی از علل و عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر، پایین بودن سطح آگاهی و اطلاعات دقیق بعضی از خانواده‌ها در ارتباط با مشخصات این مواد و ضررهای آن است. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت معتقدند که لازم است در کلاس‌های آموزش خانواده حتماً روی این موضوع تأکید بیش‌تری صورت گیرد و در کتاب‌های درسی، برای آشنایی با اعتیاد و آثار تخریبی آن فصلی اختصاص داده شود؛ زیرا بسیاری از افرادی که معتاد شده‌اند، خود و خانوادهٔ آن‌ها، از پیامدهای واقعی اعتیاد اطلاعاتی نداشته‌اند.



شده که این اثرهای مطلوب پایدار نیست و بعد از مدتی، تحمل خشونت و شدت عمل والدین برای فرزندان عادی می‌شود. (جهانگرد، ۱۳۷۹، ص ۶۵)

شمار قابل توجهی از فرزندان، مخصوصاً پسرها، به علت بدرفتاری والدین کج‌رو شده‌اند و به مصرف مواد مخدر روی آورده‌اند و در مورد فرزندان که والدین آن‌ها دارای روحیه اقتدارآمیز و خصمانه بوده‌اند، خطر مصرف این مواد بیش‌تر است. (هنری ماسن، ۱۳۷۳، ص ۶۱۰)

۶- اختلاف والدین

خانواده حریم امن و آسایش است. در صورتی که بین والدین اختلاف و درگیری وجود داشته باشد، آرامش و آسایش از فرزندان آن خانواده سلب می‌شود؛ بنابراین فرزندان سعی می‌کنند بیش‌ترین وقت خود را در خارج از خانه سپری

زیاده‌روی در محبت نیز مانند کمبود محبت اثر منفی بر تربیت فرزندان دارد، به نحوی که فرزند همیشه متکی بر پدر و مادر است و هیچ‌گاه احساس استقلال و بزرگ منشی نخواهد کرد. زمانی که چنین فردی وارد جامعه شود و در این موقعیت از محبت‌های پدر و مادر به دور باشد، احساس کینه و عقده‌جویی می‌کند و برای جبران این نقیصه دست به هر خلافی خواهد زد.

۵- خشونت خانوادگی

از دیگر مؤلفه‌های بروز پدیده‌ی اعتیاد به مواد مخدر، قرار گرفتن نوجوان و جوان در معرض خشونت‌های روحی و جسمی است. خشونت والدین، محیط خانه را از صمیمیت، همدلی، وحدت و هماهنگی تهی می‌کند. خشونت و استبداد ممکن است در کوتاه مدت اثرهای مطلوبی داشته باشد، ولی به تجربه ثابت

نمایند و این امر زمینه را برای ارتباط آنان با افراد ناباب مهیا می‌سازد که این خود می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای اعتیاد.

۷- کنترل بیش از حد فرزندان

محدود کردن فرزندان می‌تواند عامل گرایش به انحرافات اجتماعی باشد؛ زیرا از طرفی محدود بودن منجر به فعال شدن حس کنجکاوای فرد می‌شود و از سوی دیگر منجر به بروز مشکلات عاطفی می‌گردد.

کنترل بیش از حد فرزند سبب می‌شود که نوجوان یا جوان وابسته به کنترل خارجی (زور) باشد؛ یعنی تا زمانی که از طریق اعمال زور، رفتارش تحت کنترل باشد، دست به عمل منحرفانه نمی‌زند، اما به محض این که کنترل والدین ضعیف شود، خود را رها می‌یابد و به رفتارهای انحرافی آمیز از جمله اعتیاد روی می‌آورد؛ زیرا از کودکی حس کنترل درونی او خاموش شده و همیشه به کنترل خارجی و احتمالاً زور وابسته بوده است.

۸- آشفتگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه‌های مهم در گرایش نوجوانان و جوانان به اعتیاد، گسسته شدن پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده‌ها پدر و مادر حضور فیزیکی دارند، اما متأسفانه حضور واقعی آنان برای فرزندان به دلایلی محسوس نیست.

در برخی خانواده‌ها، پدر و مادر یا هر دو به عللی همچون طلاق، مرگ و میر و... نه حضور ظاهری دارند و نه حضور واقعی. در آن دسته از خانواده‌هایی که با معضل طلاق و جدایی مواجه می‌شوند، فرزندان پناه‌گاه اصلی خود را از دست می‌دهند؛ هیچ هدایت‌کننده‌ای در جریان زندگی ندارند و در دریای موج اجتماع، اسیر شیادان می‌شوند.

مشکلات ناشی از طلاق یا فوت والدین، همگی حکایت از عدم امکان یا عدم کنترل و نظارت توسط والدین دارد و از آن رو که ارتباط صمیمانه آن‌ها با فرزندان به میزان قابل توجهی کم بوده است، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان در دوران کودکی شده و زمینه‌ساز مشکلات رفتاری و انحرافات همچون گرایش به مواد مخدر در دوره نوجوانی و جوانی گردیده است. (فولادی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷)

۹- مشغله کاری والدین

امروزه بسیاری از والدین به دلیل فشارهای مختلف زندگی، اصولاً افرادی خسته و عصبی‌اند و به جای این که با در نظر گرفتن شخصیت و موقعیت فرزندان بر کارهای آنان نظارت داشته باشند، معمولاً با داد و فریاد و بدون رعایت احترام، به فرزندان خود دستور می‌دهند. فرزندان در چنین شرایطی اغلب از روی اجبار فرمان‌های داده شده را اطاعت می‌کنند. بدین ترتیب، در اثر حضور کم‌تر والدین در خانه، مخصوصاً مادران، بچه‌ها رو به فساد اخلاقی می‌روند و محیطی مناسب برای گرایش به مواد مخدر و هرگونه اعتیاد دیگر پیدا می‌کنند. (مهدی‌خان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴)

۱۰- فقر و مشکلات معیشتی

در میان مؤلفه‌های بروز پدیده اعتیاد در حوزه خانواده، عامل فقر و مشکلات اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی و مکفی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و ضروری، مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل، تأمین غذا، پوشاک، مسکن و... موجب سرخوردگی و زمینه‌ساز گرایش به سوی انحرافات است. نکته قابل توجه این است که فقر و مشکلات معیشتی یک علت تام و مطلق نیست، اما عامل بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی است؛ زیرا افراد بسیاری هستند که در فقر مطلق زندگی را می‌گذرانند، بی‌آن که دچار انحراف شوند.

شمار قابل توجهی از فرزندان، مخصوصاً پسرها، به علت بدرفتاری والدین کج‌رو شده‌اند و به مصرف مواد مخدر روی آورده‌اند و در مورد فرزندان که والدین آن‌ها دارای روحیه اقتدارآمیز و خصمانه بوده‌اند، خطر مصرف این مواد بیش‌تر است.

استقلال رأی و دخالت در امر تصمیم‌گیری
دهند.

۳- بر وضعیت تحصیلی فرزندان
ظارت داشته باشند.

۴- نسبت به اعمال و رفتار فرزندان
مورد مراقب باشند.

۵- بر رفت و آمد و معاشرت‌های آن‌ها
ظارتهای مناسب صورت گیرد.

۶- از تحقیر و توهین به فرزندان
بهریزند.

۷- والدین علاقه خود را به فرزندان
شان دهند و همه جا پشتیبان آن‌ها باشند.

۸- تمامی خواست‌های فرزندان را
پاید بدون چون و چرا برآورده سازند.

۹- پول توجیبی در حد احتیاجات
مزم (نه کم و نه زیاد) در اختیار آن‌ها قرار
دهند.

۱۰- در محیط خانواده سازگاری ایجاد
کنند.

۱۱- بین فرزندان تبعیض قایل نشوند.

۱۲- و بالاخره بستری مناسب برای احساس امنیت،
آرامش، صفا، صمیمیت و درک متقابل در خانواده ایجاد کنند.

فهرست منابع:

- اورنگ، جمیله (۱۳۷۶): پژوهشی درباره اعتیاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جهانگرد، یدالله (۱۳۷۹): نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- عربیان، نرگس (۱۳۸۲): اعتیاد و راههای پیش‌گیری از آن، مجله حیات سبز، شماره ۳.
- فولادی، محمد (۱۳۸۲): بررسی میزان عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان، قم، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مدنی، سعید (۱۳۸۱): خانواده و اعتیاد، مجموعه مقالات دومین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، نشر آگاه.
- مهدی‌خان، زهرا (۱۳۸۲): والدین خودخواه، فرزندان رها شده، تهران، نشر پیکان.
- هنری ماسن، پاول و دیگران (۱۳۷۳): رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز.

همان‌گونه که فقر می‌تواند فرد را به سوی مواد مخدر و اعتیاد بکشاند، خود نیز از عواقب اعتیاد است؛ یعنی رابطه‌ای دوسویه بین فقر و اعتیاد وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرگاه فرد فقیر به دلیل مشکلات مالی به اعتیاد روی آورد، اعتیاد باعث فقر هر چه بیش‌تر او می‌شود؛ زیرا از طرفی مصرف مواد مخدر نیازمند هزینه است و از سوی دیگر فرد معتاد ضعیف شده است و اراده کار کردن ندارد.

برخی از نوجوانان و جوانان در خانواده‌های فقیر با ناامیدی به آینده می‌نگرند. این گونه جوانان در واکنش به فقر و مشکلات اقتصادی هر گونه کوشش و تلاش را برای یافتن هویت خود به طور کلی کنار می‌گذارند و به دنیای فراموشی و بی‌خبری مواد مخدر پناه می‌برند. (لوس، ۱۹۷۰، ص ۱۰)

راهکارها و پیش‌نهادهای

به منظور رفع عوامل زمینه‌ساز گرایش فرزندان به مواد مخدر در خانواده، راهبردهای زیر پیش‌نهاد می‌گردد:

۱- والدین باید از بحث و نزاع و دامن زدن به اختلافات خانوادگی به شدت بپرهیزند.

۲- ارتباط با فرزندان خود را بهبود بخشند و به آن‌ها